

## مقدمه

یکی از دشوارترین پرسش‌ها، پرسش در مورد معنای زندگی است. پرسش از زندگی، چستی آن و فرجام آن از آغاز تاکنون، ذهن بشر را به خود مشغول ساخته است و تا زمانی که برای این پرسش‌ها، پاسخ‌های قانع‌کننده یافت نشود، نمی‌توان چنان‌که شایسته بشر است، زندگی کرد. افراد در پی یافتن معنای زندگی هستند، اما معنا را با درجات متفاوتی جست‌وجو می‌کنند. در واقع، تلاش در یافتن معنای زندگی، خود نیرویی اصیل و بنیادی است، و نه توجهی ثانویه از کشش‌های غریز او. این معنی، منحصر به فرد و یکتاست و فقط اوست که باید و قادر است به آن تحقق بخشد (فرانکل، ۱۳۸۸، ص ۲۸). بنابراین، معنی‌جویی نه‌تنها تجلی واقعی انسانیت انسان است. بلکه همان‌طور که تئودور کوچن ثابت کرده، معیاری مطمئن برای سلامت روان نیز به‌شمار می‌رود (فرانکل، ۱۳۸۹، ص ۱۴۵).

استجر و همکاران، معنای زندگی را نمادی از پیوستگی حال به گذشته و آینده می‌دانند؛ یعنی زندگی چنان منسجم است که حال را به گذشته و امیال و آرزوهای ما را به آینده پیوند می‌دهد؛ چراکه تجربیات ما را دربر گرفته و این را در بافتی یکپارچه قرار می‌دهد (احمدی، ۱۳۸۹، ص ۲۷). بنابراین، معنا در زندگی محدود‌ه‌ای است که در آن، افراد مفاهیم معناداری را در زندگی خود به حدی درک، احساس و مشاهده می‌کنند که موجب می‌شود خود را هدفمند و یا حتی دارای هدفی بزرگ در زندگی ارزیابی کنند. معنای زندگی از دو بعد حضور معنا و جست‌وجوی معنا مورد بررسی قرار گرفته شده است (Steger & et al, 2006, p. 80-93; 2008, p. 199-228). ۱. حضور معنا در زندگی: ادراک افراد از حضور معنا در زندگی‌شان به بعد تجربی آنان مربوط می‌شود (Steger & Dik, 2009, p. 303-320)؛ به عقیده استجر و همکاران، افراد زمانی حضور معنا را تجربه می‌کنند که خود و دنیایشان را درک کنند، جایگاه منحصر به فرد خود را در جهان و آنچه را که سعی در انجام آن در زندگی دارند، بشناسند. ۲. جست‌وجوی معنا در زندگی: اینکه افراد چقدر (میزانی که افراد) معنا در زندگی را جست‌وجو می‌کنند، به بعد انگیزه‌ای مربوط می‌شود (Ibid)، جست‌وجوی معنا در زندگی به فعالیت اکتشافی برای رسیدن یک حس معنا در زندگی اشاره دارد (Kiang & Fuligni, 2009, p. 1253-1262). جوهر اساسی نظریه‌های دینی در باب معنای زندگی عبارت است از: تأکید بر این نکته که بدون وجود خداوند و فناپذیری، زندگی معنایی نخواهد داشت (مهدوی آزادبنی، ۱۳۸۶). در

## نقش تصور از خدا و هویت مذهبی در معنای زندگی

فاطمه خاکشور\* / باقر غباری‌بناب\*\* / فاطمه شهابی‌زاده\*\*\*

### چکیده

هدف این پژوهش ارائه مدل معنای زندگی در ارتباط با تصور از خدا با توجه به اکتشاف و تعهد مذهبی می‌باشد. ۵۸۱ دانشجوی به‌صورت خوشه‌ای چندمرحله‌ای از بین دانشجویان دانشگاه‌های آزاد و دولتی بیرجند، پرسش‌نامه‌های هویت مذهبی، تصور از خدا و معنای زندگی را تکمیل نمودند. برای تحلیل نتایج از روش مدلیابی معادلات ساختاری بهره گرفته شد. نتایج نشان داد هویت مذهبی زودرس و کسب‌شده ارتباط بین تصور تعلق‌پذیری و حضور معنا در زندگی را میانجی‌گری می‌کند، همچنین هویت مذهبی آشفته، میانجی‌گر بین بُعد کنترل و حضور معنا در زندگی می‌باشد، مدل نیز نشان داد بُعد کنترل اثر مستقیم منفی و تصور تعلق‌پذیری اثر مستقیم مثبتی بر جست‌وجوی معنا دارد و بعد مهربانی تنها اثر مستقیم مثبت بر حضور معنا در زندگی دارد. نتایج همچنین نشان داد پایگاه‌های هویت مذهبی تنها پیش‌بینی‌کننده حضور معنا در زندگی می‌باشند، و مهربانی نقشی در پیش‌بینی پایگاه‌های هویت افراد ندارند.

کلیدواژه‌ها: معنای زندگی، تصور از خدا، هویت مذهبی.

khakshoor\_135@yahoo.com

bghobari@ut.ac.ir

f\_shahabizadeh@yahoo.com

\* کارشناسی ارشد روان‌شناسی بالینی دانشگاه آزاد اسلامی واحد بیرجند.

\*\* دانشیار دانشکده علوم تربیتی دانشگاه تهران.

\*\*\* دانشجوی دکتری دانشگاه آزاد اسلامی واحد بیرجند.

دریافت: ۱۳۹۱/۱۱/۲۴ - پذیرش: ۱۳۹۲/۰۳/۲۲

قرآن اشاره شده است: «آیا گمان می‌کنید ما شما را عبث آفریده‌ایم و به‌سوی ما باز نمی‌گردید» (مؤمنون: ۱۱۵). اسلام به هدف و غایت در زندگی اهمیت می‌دهد و انسان را به سمت کمال در حرکت می‌داند (کرمانی و جلوانی، ۱۳۸۸). از نظر بسیاری از افراد، برجسته‌ترین عملکرد روان‌شناختی مذهب، ارائه حس معنا و هدف در زندگی است (Martos & et al, 2010, p. 863-868)؛ زیرا مذهب فرصت‌هایی را در اختیار افراد برای کشف هدف یا معنا در زندگی‌شان قرار می‌دهد (Steger & Frazier, 2005, p. 574-582). همچنین براساس نظریه شناختی - هیجانی مذهبی، بدون باورهای اساسی، مذهب انسان‌ها نمی‌تواند معنای زندگی را دریابد. درحالی‌که باورهای مذهبی می‌توانند موجب احساس امیدواری، هدفمندی و آرامش در افراد شوند (Rajaei, 2010, p. 81-87).

یکی از مؤلفه‌های مهم معنویت تصور از خداست. به اعتقاد ریزاتو، تصور از خدا یک الگوی درونی روان‌شناختی از تصورات فرد در مورد خداست. در واقع یک فرایند ترکیب محفوظات و تنظیم انبوه خاطراتی از منابع مختلف و در ارتباط با خدا، می‌باشد (Lawrence, 1997, p. 214-226). مطالعه اسچنل و بیکر نشان داد افراد اغلب عقاید و تجربیات معنوی و مذهبی را به‌عنوان منبعی برای معنا در زندگی‌شان در نظر می‌گیرند (Schnell & Becker, 2006, p. 117-129). به علاوه، تحقیقات بسیاری (از جمله فرنچ و جوزف، ۱۹۹۹؛ سوننس و هوتسبات، ۲۰۰۶؛ پوهلمن و همکاران، ۲۰۰۶؛ مارتوس و همکاران، ۲۰۱۰) نشان داد که بین مذهب و معنای زندگی ارتباط مثبتی وجود دارد. هریس و استاندارد بیان کردند که ارتباط مثبتی بین معنا در زندگی و بهزیستی معنوی و اهمیت معنویت در دانشجویان دانشگاه وجود دارد (Steger, in press, 2001). همچنین نتایج مولکار و استومپیگ حاکی از ارتباط مثبت بین معنا در زندگی و یکتاپرستی است (Steger & et al, 2010, p. 206-227). در همین راستا، شالون در تحقیقات خود به این نتیجه دست یافت که جوان‌هایی که بیشتر معنوی هستند، بیشتر نماز یا عبادت انجام می‌دهند و احتمالاً بیشتر احساس هدفمندی و معنا در زندگی می‌کنند (Shaalon, 2007, p. 80). مطالعه پارگارمنت، ماگیاروسل و موری سوانگ، در تحقیقات خود بیان کردند که افراد مذهبی ممکن است معنای بیشتری در زندگی تجربه کنند، به‌خصوص زمانی که مذهبشان به سمت مقدسات گرایش دارد و کامل (بی‌نقص) است (Martos & et al, 2010, p. 863-868). هرچند در پژوهش‌های فوق به بررسی

مذهب و معنای زندگی پرداخته شده، اما به ارتباط مذهب با ابعاد معنای زندگی (حضور و جست‌وجوی معنا) توجهی نشده است و اینکه آیا معنویت (تصور از خدا) موجب حضور معنا یا جست‌وجوی معنا می‌شود؟ در این زمینه مارتوس و همکاران به نتایج مشابهی دست یافتند. به علاوه، آنها گزارش کردند که بین برتر دانستن خداوند و حضور معنا در زندگی، و برداشت نمادین از خدا با جست‌وجوی معنا در زندگی ارتباط مثبتی وجود دارد (Ibid). اما مطالعه مذکور به بررسی تصور از خدا پرداخته است. اکنون این سؤال پیش می‌آید که آیا تصور از خدا، به‌عنوان مؤلفه‌های مهم مذهب و معنویت همانند فعالیت‌ها و تجربه‌های مذهبی بر معنا در زندگی تأثیر دارد و این تأثیر مستقیم است یا از طریق عوامل دیگر صورت می‌گیرد؟

افزون بر نقش معنویت، استجر و همکاران اظهار می‌دارند که با تشکیل هویت روابط با دیگران، ایجاد و دنبال کردن اهداف، دیدگاه‌های مثبت مربوط به آینده، و دیدگاه‌های خود در دنیا، ادراک و هدف ایجاد شده و منجر به ایجاد معنای زندگی می‌شوند (احمدی، ۱۳۸۹، ص ۳۱). بسیاری از نوجوانان برای یافتن معنا در زندگی‌شان تلاش می‌کنند، اغلب در حال کاوش و سؤال درباره اهداف زندگی، هیجانانگیزه‌هایشان و آنچه می‌خواهند با زندگی و تحصیلاتشان انجام دهند، هستند. به طوری که می‌توان گفت نگرانی اصلی رشد در طی دوره نوجوانی به احساس هدف یا معنا در زندگی مربوط می‌شود (Kiang & Fuligni, 2009, p. 1253-1262). در این زمینه، آلپورت در توصیف دوران بلوغ، هویت‌جویی را مهم‌ترین مشخصه این دوره دانسته، معتقد است: اساسی‌ترین بخش جست‌وجوی هویت تعریف هدف، مقصود و آرمان زندگی است (شرفی، ۱۳۸۴). از نظر اریکسون، هویت عبارت است از یک مفهوم سازمان‌یافته از خود، که از ارزش‌ها، باورها و اهدافی که فرد بدان پایبند است، تشکیل شده است (خادمی و همکاران، ۱۳۸۶). مطالعه در زمینه علمی اجتماعی هویت نشان داده است که افراد دارای هویت‌های گوناگون مذهبی، شغلی، قومی، اجتماعی، سیاسی و جنسی می‌باشند. مذهب زمینه را برای کشف و تعهد هویت از طریق پیشنهاد کردن مفاهیم ایدئولوژیکی، اجتماعی و معنوی فراهم می‌کند، به طوری که نتایج نشان داده است که بین مذهب و هویت کسب‌شده رابطه مثبت وجود دارد (King, 2003, p. 197-204).

هویت پایدار دینی، به‌معنای دستیابی به یک تعریف منسجم دینی از خود است که انتخاب آگاهانه و آزادانه ارزش‌ها، باورها و هدف‌های زندگی مشخصه اصلی این هویت است؛ به این معنا که فرد بیابد

کیست؟ چه چیزهایی برای او ارزش به حساب می‌آید و چه راه‌هایی برگزیده است که در زندگی پیگیری نماید. شکل‌گیری هویت دینی با آغاز نوجوانی شروع می‌شود و در فرایند رشد عقلانی پیوسته ارزش‌ها، باورها و هدف‌ها مورد تجدیدنظر قرار می‌گیرند تا فرد به هویتی پایدار برسد. چنانچه فرد نتواند در فرایند رشد، به هویت صحیح و پایدار دینی برسد، دچار پوچی و بحران می‌شود (فیاضی، ۱۳۸۹). همچنین از نظر بل، هویت مذهبی به‌عنوان سازه روان‌شناختی می‌باشد که ناشی از درک فرد از ضمیر خودش نسبت به یک نیرو یا موجود متعالی و یا یک گروه اجتماعی - فرهنگی است که مشخصه غالب آن، هدف متعالی می‌باشد. وی بر پایه نظرات مارسیا در خصوص هویت و پایگاه‌های هویت، چهار پایگاه هویت مذهبی آشفته، زودرس، دیررس و کسب‌شده (یکپارچه) را مطرح کرد. فلین با بررسی نقش فعالیت‌های عبادی روی زنان مذهبی سالمند، در حفظ حس هویت فردی و اجتماعی، بیان کرد که افراد از طریق شرکت در فعالیت‌های پر معنا (فعالیت‌های عبادی) هویتی را می‌سازند که موجب حس زندگی هدفمند و معنادار می‌شود (Dawn & Manning, 2010, p. 16-33). همچنین جمالی در تحقیق خود به این نتیجه دست یافت که بین نگرش مذهبی و احساس معنابخش بودن زندگی رابطه معنی‌داری وجود دارد. به‌عبارت دیگر، نگرش مذهبی به افراد کمک می‌کند تا به شناخت بهتر از هدف و معنای زندگی دست یابند (جمالی، ۱۳۸۱، ص ۱). بنابراین، مذهب موجب احساس معنابخش بودن زندگی و به‌نوعی پاسخ به سؤالات نوجوان در مورد هدف و معنای زندگی می‌شود. این امر به‌نوبه خود، بر هویت نوجوان تأثیر می‌گذارد. اگرچه معنای زندگی در رابطه با متغیرهایی مانند بهزیستی، مذهب، فرهنگ و... بررسی شده است، اما تاکنون تحقیقاتی در مورد تأثیر تعاملی تصور از خدا و هویت مذهبی در پیش‌بینی معنای زندگی بخصوص در جامعه اسلامی انجام نشده است. در این پژوهش، جهت مدلی برای معنای زندگی نقش همزمان تصور از خدا و هویت مذهبی بررسی می‌شود.

### روش تحقیق

پژوهش حاضر از نوع همبستگی می‌باشد که مجموعه‌ای از معادلات رگرسیون چندمتغیری در مدل‌یابی معادلات ساختاری به‌گونه همزمان مورد ارزیابی قرار گرفت. برای بررسی میانجی‌گری هویت مذهبی، در ارتباط بین تصور از خدا و معنای زندگی از تحلیل عاملی اکتشافی و تأییدی و مدل‌یابی معادلات ساختاری از طریق لیزرل استفاده شد. جامعه آماری کلیه دانشجویان مجرد و متأهل دانشگاه‌های آزاد و دولتی بیرجند می‌باشند که ۵۸۱ دانشجو

به‌صورت چندمرحله‌ای پرسش‌نامه‌ها را تکمیل نمودند. در بین ۵۸۱ نمونه دانشجو، ۳۴۳ دانشجوی زن و ۲۳۷ دانشجوی مرد شرکت داشتند.

مقیاس تصور از خدا: لارنس پرسش‌نامه‌ای را در ارتباط با تصور از خدا به‌منظور ارزیابی احساسات افراد نسبت به خدا ساخت که شامل ۷۳ گویه می‌باشد. وی سه ناحیه تعلق داشتن، خوب بودن (مهربانی) و کنترل داشتن در نظر گرفت. هریک از این سه بعد، به دو قسمت تقسیم شده است که این مقیاس شامل حضور، چالش، پذیرش، خیرخواهی، تأثیرپذیر و مشیت الهی است. ضریب همسانی درونی سؤالات برای هریک از عوامل فوق، به ترتیب ۰/۸۶، ۰/۹۰، ۰/۹۱، ۰/۹۲، ۰/۹۲ از کاملاً مخالفم (۱) تا کاملاً موافقم (۴) می‌باشد. در این مطالعه، ضریب همبستگی آلفای کرونباخ به ترتیب در تعلق داشتن، خوب بودن (مهربانی) و کنترل داشتن، ۰/۶۲، ۰/۵۲، ۰/۷۶ دست آمد که حاکی از پایایی مقیاس می‌باشد. تحلیل مؤلفه‌های اصلی با چرخش ابلیمین ساختار ساده ۳ عاملی تعلق، مهربانی و کنترل را نیز نشان داد که به ترتیب ۲۹/۵، ۸/۵۶ و ۶/۲۱ درصد (و در مجموع ۴۴/۲۹ درصد) از واریانس تصور از خدا را تبیین نمودند.

آزمون هویت مذهبی: توسط بل (۲۰۰۹) تدوین شده است شامل ۲۸ گویه می‌باشد. ۵ گویه برای هر پایگاه هویت مذهبی و ۲ گویه مربوط به هر پایگاه هویت کلی می‌باشد. این پرسش‌نامه، در یک مقیاس ۶ درجه‌ای از کاملاً موافق (۶) تا کاملاً مخالف (۱) تدوین شده است. ضریب آلفای کرونباخ برای هویت مذهبی آشفته، زودرس، دیررس و کسب‌شده، به ترتیب ۰/۷۹، ۰/۸۴ و ۰/۷۷ به دست آمده است. در این مطالعه، هماهنگی درونی در ضریب همبستگی کرونباخ برای هر پایگاه هویت آشفته، زودرس، دیررس و کسب‌شده به ترتیب ۰/۶۱، ۰/۵۹، ۰/۵۱، ۰/۶۴ به دست آمد که حاکی از پایایی مقیاس می‌باشد. تحلیل مؤلفه‌های اصلی، با چرخش ابلیمین ساختار ساده ۴ عاملی را نشان داد که عامل‌های آشفته، زودرس، دیررس و کسب‌شده به ترتیب ۱۸/۷۵، ۱۳/۰۶، ۹/۳۹، ۶/۲۷ درصد (و در مجموع ۴۷ درصد) هویت مذهبی را تبیین کرد.

آزمون معنای زندگی: این آزمون یک سنجش جدید ۱۰ گویه‌ای درباره حضور جست‌وجوی معنا در

جدول ۱- ضریب همبستگی، میانگین و انحراف استاندارد متغیرهای تصور از خدا، هویت مذهبی و معنای زندگی

	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	
۱									۱	کنترل‌کنندگی
۲								۱	۰/۳۰**	مهربانی
۳							۱	۰/۵۰**	۰/۶۰**	تعلق‌پذیری
۴					۱	۰/۳۱**	۰/۳۹**	۰/۲۰**	۰/۲۰**	حضور معنا
۵				۱	۰/۰۹*	۰/۲۴**	-۰/۰۲	۰/۲۱**	۰/۲۱**	جست‌وجوی معنا
۶			۱	۰/۰۳	۰/۳۹**	۰/۳۸**	۰/۳۲**	۰/۲۳**	۰/۲۳**	هویت کسب‌شده
۷		۱	۰/۱۴**	۰/۰۵	۰/۰۳	۰/۱۱*	-۰/۰۴	۰/۲۱**	۰/۲۱**	هویت زودرس
۸	۱	-۰/۱۳**	-۰/۰۵	۰/۲۱**	-۰/۱۸**	-۰/۰۶	-۰/۱۴**	-۰/۰۰۱	-۰/۰۰۱	هویت دیررس
۹	۱	۰/۱۸**	۰/۱۷**	-۰/۳۲**	-۰/۰۲	-۰/۳۰**	-۰/۲۸**	-۰/۲۶**	-۰/۰۰۷	هویت آینده
	۲/۴۳	۳/۴۸	۳/۶۸	۴/۲۶	۴/۴۴	۲/۲۳	۲/۳۴	۲/۹۷	۲/۸۹	میانگین
	۱/۲۸	۱/۰۹	۰/۹۸	۰/۹۸	۱/۰۵	۱/۰۲	۰/۴۷	۰/۵۰	۰/۵۳	انحراف استاندارد

\* معناداری در سطح ۰/۰۵ \*\* معناداری در سطح ۰/۰۱

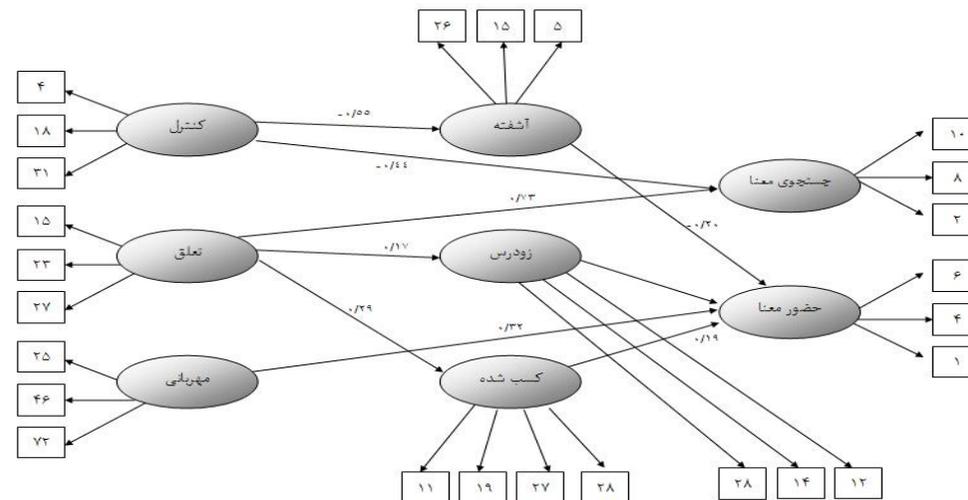
لازم به یادآوری است پس از مقایسه ماده‌های عامل‌بندی‌شده بر پایه تحلیل عاملی و مبانی نظری، برای هر عامل تعداد ۴ و یا ۳ ماده، که دارای بیشترین بار عاملی بود، به‌عنوان نشانگر در نظر گرفته شد. طبق نظر بارون و کنی، جهت بررسی نقش میانجی‌گری هویت مذهبی، در مرحله اول، نقش متغیر برون‌زای ادراک تصور از خدا و متغیر میانجی‌گری هویت مذهبی بر معنای زندگی بررسی شد. در مرحله دوم، جهت تبیین نقش میانجی‌گری، در مدلی جداگانه نقش مستقیم متغیر برون‌زا تصور از خدا بدون حضور متغیر میانجی‌گری هویت مذهبی بر معنای زندگی بررسی شد (Tokar & et al, 2003, p. 77-102). چنان‌که مسیری که در مدل مذکور معنادار است، اما در مدل مرحله اول با حضور متغیر سوم معناداری خود را از دست بدهد، متغیر پیش‌بین دوم حکم میانجی‌گری دارد. طبق پیشنهاد هوپر و همکاران، در دستورالعمل مربوط به گزارش شاخص‌های مناسب برازندگی الگو، مجذور خی به همراه درجه آزادی، ریشه دوم واریانس خطای تقریب و شاخص برازندگی تطبیقی در نظر گرفته شد (Hooper & et al, 2008, p. 53-60). افزون بر این، چون شاخص برازندگی نرمال بر خلاف شاخص برازندگی تطبیقی برای حجم نمونه جریمه نمی‌دهد (هومن، ۱۳۸۴، ص ۲۳۹)، در بررسی مدل حاضر مدنظر قرار گرفت. شاخص روایی متقاطع نیز با ایجاد ترتیب نسبی برای مدل‌های مختلف، جهت مقایسه مدل با مدل‌های رقیب دیگر در نظر گرفته شد که پایین‌ترین مقدار آن، بیانگر برازندگی بیشتر مدل است (همان). به هر حال، ریشه دوم واریانس خطای تقریب و شاخص روایی متقاطع مناسب هستند؛ چراکه مستلزم مقایسه با مدل صفر نیستند و لازم نیست مدلی با استقلال کامل متغیرهای مکنون بیان شود (همان).

زندگی است که توسط استجر و همکاران ساخته شده است (Steger & et al, 2006, p. 80-93). این پرسش‌نامه، در یک مقیاس ۷ درجه‌ای از مطلقاً درست (۷) تا مطلقاً نادرست (۱) تدوین گردیده است. پنج گویه این آزمون، حضور معنا و پنج گویه دیگر، جست‌وجوی معنا را ارزیابی می‌کند. ضریب آلفا برای جست‌وجوی معنا بین ۰/۸۴ و ۰/۹۲ و برای حضور معنا بین ۰/۸۱ و ۰/۸۶ گزارش شده است. در این پژوهش، هماهنگی درونی آلفای کرونباخ جست‌وجوی معنا و حضور معنا به ترتیب ۰/۷۱ و ۰/۸۱ و به دست آمد که حاکی از پایایی مقیاس می‌باشد. تحلیل مؤلفه‌های اصلی با چرخش ابلیمن، ساختار ساده ۲ عاملی را نشان داد که عامل‌های جست‌وجوی معنا و حضور معنا به ترتیب ۲۴/۳۱ درصد و ۳۲/۲ درصد معنا زندگی را تبیین می‌نمود.

### یافته‌های پژوهش

به‌منظور تبیین معنای زندگی بر پایه مدل‌یابی، مفروضه‌های معادلات ساختاری در مدل مورد مطالعه بررسی شد. الف) اندازه‌گیری متغیرها در سطح فاصله‌ای: طبق گفته هومن اگر تعداد طبقه‌های رتبه‌ای ۵ یا بیشتر باشد، احتمالاً می‌توان با آنها (البته با کمی خطا) مانند داده‌های فاصله‌ای رفتار کرد (هومن، ۱۳۸۴، ص ۱۰۶). ب) یکسانی پراکندگی متغیرهای درون‌زا، به‌گونه‌ای کلی یکسان نبودن پراکندگی رگرسیون‌های چندمتغیری مدل‌های لیزرل را ناروا نمی‌سازد، بلکه آنها را ضعیف می‌کند (همان)؛ زیرا روش‌های رگرسیون‌های چندمتغیری از جمله بیشینه احتمال، نسبت به تخطی از نرمال بودن توزیع جمله‌های خطا مقاوم می‌باشد (همان). از سوی دیگر، با توجه به اینکه حجم نمونه مطالعه حاضر تا حدی بزرگ می‌باشد، می‌توان بر برقراری این مفروضه اطمینان کرد. پ) فقدان هم‌خطی چندگانه متغیرهای برون‌زا، بنا بر نظر بسیاری از صاحب‌نظران (از جمله اشرف، ۱۹۸۳)، همبستگی‌های بالاتر از ۰/۸ بین متغیرهای برون‌زا بیانگر هم‌خطی بودن چندگانه است (همان). نتایج حاصل از ضرایب همبستگی بین متغیرهای مورد مطالعه، که در جدول ۱ آمده، بیانگر تأیید مفروضه مذکور است. بالاترین ضریب همبستگی نیز ۰/۶۰ بین تعلق‌پذیری و کنترل‌کنندگی به‌دست آمد.

نمودار مسیر میانجی‌گری هویت مذهبی در شکل ۱ نشان داده شده است. از آنجایی که شاخص‌های برازندگی تطبیقی و شاخص برازندگی نرمال به ترتیب برابر ۰/۹۷ و ۰/۸۹ است (همان)، می‌توان استنباط نمود مدل با داده‌ها برازش خوبی دارد. شاخص روایی متقاطع نیز ۰/۷۹ و کمتر از مقدار مدل اشباع شده (۱/۰۴) بود و در فاصله اطمینان قرار گرفت که بیانگر تقریب معقولی در جامعه است (همان). نسبت مجذور کای (۳۱۵/۲۲) به درجه آزادی (۲۲۹) برابر ۱/۳۶ شد که مطابق با ملاک‌های پیشنهادی بایرن (همان)، عدد کمتر از ۲ را نشان داد. افزون بر این، ریشه دوم واریانس خطای تقریب (RMSEA) ۰/۰۲۶ بیانگر برازش مناسب مدل است. در این مدل، مقدار مجذور همبستگی چندگانه جست‌وجو و حضور معنا به ترتیب ۲۲ و ۳۵ درصد به دست آمد.



شکل ۱. ضرایب استاندارد مدل. سازه‌های مکنون در «بیضی» و متغیرهای مشاهده شده در «مربع» نشان داده شده است. همه ضرایب مسیر در سطح ۰/۰۱ معنادار است.

همان‌طور که شکل ۱ نشان می‌دهد، هویت زودرس و کسب‌شده ارتباط بین تصور تعلق‌پذیری به خدا و حضور معنا در زندگی و هویت مذهبی آشفته، ارتباط بین کنترل‌پذیری به خدا و حضور معنا را میانجی‌گری می‌کنند. همچنین نتایج نشان داد که مهربانی تنها اثر مستقیم بر پیش‌بینی حضور معنا دارد و کنترل‌پذیری سهم منفی و تصور تعلق‌پذیری سهم مثبت در پیش‌بینی جست‌وجوی معنا به‌طور مستقیم دارند. پایگاه‌های هویت مذهبی تنها پیش‌بینی‌کننده حضور معنا می‌باشند. به منظور درک روشن‌تر نقش میانجی‌گری هویت مذهبی، طبق نظر بارون و کنی، مدل جداگانه‌ای نقش مستقیم تصور از خدا بر معنای زندگی بدون حضور متغیر میانجی‌گر بررسی نمود

(Tokar & et al, 2003, p. 77-102). شاخص‌های برازندگی تطبیقی و برازندگی نرمال، به ترتیب ۱/۰۰ و ۰/۹۹ و ریشه دوم واریانس خطای تقریب نیز برابر ۰/۰۴۱ (فاصله اطمینان؛ ۱/۰ و ۰/۰۰) به دست آمد. شاخص روایی متقاطع نیز ۰/۰۶۹ و در فاصله اطمینان (۰/۰۷۸ و ۰/۰۵۷) قرار گرفت. طبق نتایج در مدل مستقیم تصور از خدا بر معنای زندگی، مسیر کنترل‌کنندگی با جست‌وجوی معنا و مهربانی با حضور معنا به‌طور مثبت و با جست‌وجوی معنا به‌طور منفی معنادار شد. همچنین در مدل اثرات مستقیم بدون حضور میانجی‌گر، مسیر تعلق‌پذیری با جست‌وجوی معنا و حضور معنا معنادار شد. بنابراین، با توجه به شکل پایگاه‌های هویت مذهبی نقش میانجی‌گر را در رابطه بین کنترل‌کنندگی و تعلق‌پذیری با احساس حضور معنا در زندگی دارند. به‌طوری‌که کنترل‌کنندگی و تعلق‌پذیری از طریق پایگاه‌های هویت مذهب (افزایش تعهد و اکتشاف مذهبی) احساس حضور معنا در زندگی را افزایش می‌دهد.

### بحث و نتیجه‌گیری

نتایج مدل حاضر در خصوص رابطه بین تصور از خدا بر معنای زندگی، بیانگر معنادار بودن نقش مستقیم تصور از خدا بر معنای زندگی می‌باشد. در نتیجه، می‌توان گفت: تصور از خدا به‌عنوان مؤلفه معنوی از جمله عوامل پیش‌بینی‌کننده معنای زندگی (حضور معنا و جست‌وجوی معنا) می‌باشد. از نظر بسیاری از افراد، برجسته‌ترین عملکرد روان‌شناختی مذهب، ارائه حس معنا و هدف در زندگی است (Martos & et al, 2010, p. 863-868)؛ زیرا مذهب و معنویت فرصت‌هایی را در اختیار افراد برای جست‌وجوی هدف و یا معنا در زندگی‌شان قرار می‌دهند (Steger & Frazier, 2005, p. 574-582). در همین زمینه، مطالعه اسچنل و بیگر نشان داد افراد اغلب عقاید و تجربیات معنوی و مذهبی را به‌عنوان منبعی برای معنا در زندگی در نظر می‌گیرند (Schnell & Becker, 2006, p. 117-129). بنابراین، به نظر می‌رسد افرادی که تصور مثبتی از خدا دارند و خدا را حمایت‌کننده، مهربان، مراقب و قادر و توانا تصور می‌کنند، احساس هدفمندی و معنا در زندگی بیشتری دارند.

اگرچه مدل مستقیم تصور از خدا و معنای زندگی معنادار شد، اما با حضور متغیر هویت مذهبی طبق مدل (شکل ۱)، مسیر تصور تعلق‌پذیری به خدا و حضور معنا در زندگی غیرمعنادار شد. بنابراین، می‌توان این‌گونه بیان کرد که هویت مذهبی زودرس و کسب‌شده میانجی‌گر رابطه بین تعلق‌پذیری و حضور معنا می‌باشد. یافته فوق با نظریه اریکسون همخوان است، به اعتقاد

وی احساس هدف و معنا در زندگی، از تحلیل بحران هویتی در دوران نوجوانی ایجاد می‌شود (Kiang & Fuligni, 2009, p. 1253-1262). در تبیین نتایج فوق می‌توان گفت: در نتیجه تصور خدای حمایت‌کننده، که در همه شرایط حضور دارد (پناهگاه مطمئن)، فرد به جست‌وجوی محیط و اکتشاف مذهبی (پایه و اساس ایمنی) می‌پردازد (Lawrence, 1997, p. 214-226). بنابراین، فرد در مورد عقاید مذهبی به بررسی و چالش می‌پردازد و به‌خاطر خود، نه فقط دیگران انتخاب می‌کند، تا یک سیستم اعتقادی خاصی را در مورد اینکه چه کسی است و چگونگی تعریف خودش، ایجاد کند (Bell, 2009) و پس از کاوش و بررسی، نسبت به انتخاب خود متعهد می‌شود. از این‌رو، به‌نظر می‌رسد، تعلق‌پذیری موجب افزایش تعهد و اکتشاف مذهبی می‌شود. از سوی دیگر، ممکن است احساس تعلق‌پذیری به خداوند، اعتماد به حضور و حمایت خداوند موجب شود که فرد به اکتشاف نپردازد (نیاز به اکتشاف احساس نکند) و در مسیر هویت مذهبی زودرس قرار گیرد. همان‌طور که گفته شد، تعلق‌پذیری به‌طور غیرمستقیم از طریق هویت مذهبی زودرس و کسب‌شده پیش‌بینی‌کننده حضور معنا می‌باشد. احتمالاً در حضور معنای افراد دارای هویت مذهبی زودرس و کسب‌شده تفاوت وجود دارد. به نظر می‌رسد، اساس حضور معنا در زندگی افراد زودرس بر پایه تعهد و عدم اکتشاف مذهبی است. بنابراین، وجود معنا در زندگی این افراد موقتی و برگرفته از والدین می‌باشد. در حالی‌که، وجود معنای زندگی در افراد دارای هویت مذهبی کسب‌شده ناشی از تعهد و اکتشاف مذهبی می‌باشد. در نتیجه، احساس معنای پایداری دارند. از این‌رو، می‌توان گفت: هر چند که تعهد موجب احساس حضور معنا می‌شود ولی اکتشاف لازمه پایداری حضور معناست. افزون بر این، نتایج پژوهش نشان داد بعد کنترل از طریق کاهش ایجاد هویت مذهبی آشفته موجب افزایش حضور معنا در زندگی می‌شود. به‌طوری‌که کنترل‌پذیری (تأثیرپذیری، مشیت الهی) موجب می‌شود که فرد احساس کند که تنها نیست و علاوه بر خود، خداوند نیز در تعیین سرنوشت وی دخیل است (Lawrence, 1997, p. 214-226)؛ و دچار سردرگمی نشود. در نتیجه، تعهد و اکتشاف مذهبی افزایش می‌یابد. بنابراین، بعد کنترل از طریق کاهش ایجاد هویت مذهبی آشفته (افزایش تعهد و اکتشاف مذهبی) باعث افزایش احساس وجود معنا می‌شود.

سرانجام، مدل حاضر نشان داد مهربانی تنها به‌طور مستقیم پیش‌بینی‌کننده حضور معنا در زندگی می‌باشد، بنابراین، احساس ارزشمند بودن زندگی از یک‌سو، پذیرفته شدن از جانب خداوند از سوی دیگر (Ibid)، موجب می‌شود احساس کند که خدا حامی فرد است و نظام هستی بی‌معنا و

پوچ نیست و برای هر کسی هدف و معنایی وجود دارد. این یافته، با سخن حضرت علی علیه السلام که می‌فرمایند: «هیچ‌کس بی‌پرده نشده تا به بازی پردازد، و او را به حال خود وانگذاشته‌اند تا خود را سرگرم کارهای بی‌ارزش نماید» (نهج‌البلاغه، ۱۳۷۹، ح ۳۷۰) همخوان است. همچنین نتایج نشان داد، کنترل‌پذیری سهم منفی و تصور تعلق‌پذیری سهم مثبت در پیش‌بینی جست‌وجوی معنا به‌طور مستقیم دارند. با احساس افزایش نقش کنترل‌کنندگی خداوند (مشیت الهی)، می‌توان این‌گونه بیان کرد که احتمالاً احساس اینکه فقط خدا در تعیین سرنوشت زندگی دخیل است و خود فرد تأثیری در سرنوشت ندارد (عدم اختیار)، موجب می‌شود کمتر در جست‌وجوی معنا در زندگی باشد. همچنین با توجه به مسیر معنادار تعلق‌پذیری و جست‌وجوی معنا، به‌نظر می‌رسد وقتی فرد احساس کند خداوند در همه شرایط حاضر و حامی اوست، به خداوند توکل کرده و در نتیجه، خداوند پایه ایمنی برای کاوش و جست‌وجوی معنا در زندگی می‌شود.

در مجموع، مشخص شد که تصور کنترل‌کنندگی و تعلق‌پذیری به‌طور غیرمستقیم (از طریق پایگاه‌های هویت مذهبی)، پیش‌بینی‌کننده حضور معنا می‌شوند. بنابراین، تنها تصور تعلق‌پذیری و کنترل‌کنندگی موجب احساس حضور معنا نمی‌شود، بلکه تصور تعلق‌پذیری و کنترل از طریق تعهد و اکتشاف موجب احساس حضور معنا در زندگی می‌شود.

یافته‌های این پژوهش تحت تأثیر چند محدودیت نیز می‌باشد: یکی از محدودیت‌های پژوهش، مقطعی بودن آن می‌باشد. محدودیت دیگر، مربوط به نمونه پژوهش می‌باشد؛ زیرا تنها روی دانشجویان انجام شده است. از این‌رو، تعمیم به دیگر گروه‌های سنی باید با احتیاط صورت گیرد. بنابراین، پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های آتی برای بررسی بیشتر، پژوهش به‌صورت طولی انجام شود و پژوهش بر روی نمونه‌های دیگر جامعه انجام شود. همچنین بررسی نقش تاریخیچه دلبستگی به والدین در تصور از خدا و معنای زندگی پیشنهاد می‌شود.

- Martos, Tamas; Thege, Barnakonkoly & Steger, Michael F (2010). It's not only what you hold, it's how you hold it: Dimensions of religiosity and meaning in life; *personality and Individual differences*. v49, p. 863-868.
- Rajaei, Ali Reza (2010). Religious cognitive – Emotional therapy: A new form of psychotherapy. *Iran J. psychiatry*, v 5, p. 81-87.
- Schnell, T & Becker, P. (2006). Personality and meaning in life. *Personality and Individual Differences*, v 41, p. 117-129.
- Shaalon, Joules (2007), *The mediating role of God attachment between religiosity and Spirituality and psychological adjustment in Young adults*. Presented in partial fulfillment of the requirements for the degree Doctor of philosophy in the graduate school of the ohio state university.
- Steger, Michael F & Frazier, Patricia (2005). Meaning in life: One link in the chain from religiousness to well-being. *Journal of counseling psychology*, p. 574-582.
- Steger, Michael F; Pickering, Natalie K; Adams, Erica; Burnett, Jennifer, Shin, JooYeon; Dik, Bryan & Stauner, Nick (2010). the guest for meaning: Religious affiliation differences in the correlates of religious guest and search for meaning in life. *Psychology of religion and spirituality*, p. 206-226.
- Steger, Michael F & Dik, Bryan (2009). If one is looking for meaning in life, Does it help to find meaning in work? *Applied psychology: Health and well-being*, (3), p. 303-320.
- Steger, Michael F; & et al, (2006). The meaning in life questionnaire: Assessing the presence of and search for meaning. *Journal of counseling Psychology*, p. 80-93
- Steger, Michael F; kashdan, Todd B; Sullivan, Brandon A & Lorentz, Danielle (2008). Understanding the search for meaning in life: Personality, Cognitive style and the dynamic between seeking and experiencing meaning. *Journal of personality*, v 76, p. 199-228.
- Steger, Michael.F (in press). Experiencing meaning in life: Optimal functioning at the nexus of well-being, psychopathology, and spirituality. This chapter is to appear in the Human Quest for meaning.
- Tokar, D. M., Withrow, J.R., Hall, R. J., & Moradi, B. (2003). Psychological Separation, Attachment Security, Vocational Self-Concept Crystallization, and Career Indecision: A Structural Equation Analysis, *Journal of Counseling Psychology*, v 50(1), p. 77-102.

## منابع

- نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی (۱۳۷۹)، چ هفتم، بی‌جا، مشرقین.
- احمدی، زهرا (۱۳۸۹)، *بررسی تحولی رابطه بین معنای زندگی و سبک دلبستگی در دوران جوانی، بزرگسالی و سالمندی*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد روان‌شناسی، دانشگاه آزاد بروجرد.
- جمالی، فریبا (۱۳۸۱)، *بررسی رابطه بین نگرش مذهبی، احساس معنا بخش بودن زندگی و سلامت روان در دانشجویان دانشگاه تهران*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد روان‌شناسی، دانشگاه تهران.
- خادمی، محسن و دیگران، «بررسی هویت فرهنگی در دانش‌آموزان دوره راهنمایی»، (۱۳۸۶)، *مطالعات تربیتی و روان‌شناسی*، ش ۲، ص ۴۳-۶۲.
- شرفی، محمدرضا، «تأملی نقدگونه در باب معنای غایی زندگی با تأکید بر دیدگاه ویکتور فرانکل»، (۱۳۸۴)، *روان‌شناسی و علوم تربیتی*، ش ۷، ص ۲۹-۵۰.
- فرانکل، ویکتور (۱۳۸۸)، *فریاد ناشنیده برای معنا: روان‌درمانی و انسان‌گرایی*، ترجمه مصطفی تبریزی و علی علوی‌نیا، ج سوم، تهران، فرا روان.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۸۹)، *انسان در جست‌وجوی معنی*، ترجمه نهضت صالحیان و مهین میلانی، چ بیست و پنجم، تهران، درسا.
- فیاضی، ایراندخت، «پرسشگری راهبرد هویت‌پایدار دینی در قرآن کریم»، (۱۳۸۹)، *تعلیم و تربیت*، ش ۹۸، ص ۳۷-۶۷.
- کرمانی، نرگس و راضیه جلوانی، «بررسی و مقایسه معناداری زندگی از دیدگاه اسلام و روان‌شناسی فردنگر»، (۱۳۸۸)، در: *همایش ملی معناداری*، ص ۲۱۹-۲۳۱.
- مهدوی آزاد بنی، رمضان، «معنای زندگی انسان و نقش خلاقیت‌زایی دین»، (۱۳۸۶)، *اندیشه نوین دینی*، ش ۹، ص ۵۳-۷۱.
- هومن، حیدرعلی (۱۳۸۴)، *مدل‌یابی معادلات ساختاری با کاربرد نرم افزار لیزرل*، تهران، سمت.
- Bell, David M. (2009). *Religious Identity: Conceptualization and measurement of the religious self, A Dissertation to the Faculty of the Graduate School of Emory University*, the degree for of Doctor of Philosophy in Religion.
- Bell, D.B. (2006) Religious Identity: Conceptualizing a measure for research and practice. *Unpublished paper presented at APA Div. 36 Mid-Conference*, March 3-4, 2006.
- Dawn C & Manning, lydiak (2010). A new paradigm for qualitative research in the united states: The era of the Third age. *Qualitative Sociology Review*. P. 16-33.
- Hooper, P; & et al, (2008). Structural equation modeling: Guidelines for determining modeling fit electronic. *Journal of Business Methods*, v 6(1), p. 53-60
- Kiang, Lisa & Fuligni, Andrew (2009). Meaning in life as a mediator of ethnic identity and adjustment among adolescents from latin, Asian, and European American backgrounds. *Journal of Youth and Adolescence*, v 39(11), p. 1253-1262.
- King, Pamela. E. (2003). Religion and Identity: The Role of Ideological, Social, and Spiritual Contexts. *Journal of Applied Developmental Science*, v 7, p. 197-204.
- Lawrence, Richard (1997). Measuring the image of God: the God image inventory and the God image scales. *Journal of psychology and theology*, v 25(2), p. 214-226.